



میرد. حاصل زندگی این شاعره مسلمان ۵ فرزند متعهد و مسئول میباشد که هر کدام در سنگری به حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی مشغولند. با ایشان مصاحبه ای ترتیب داده ایم که ذیلا میآوریم:

س: شما فکر میکنید انقلاب اسلامی ما تا کتون توانسته است مقوله هنر را تعریف و ارتباط آن را با انسان معنا کند و

جبران ناپذیر نبوده است. انقلاب اسلامی ما توانسته از مرزها و ماورای مرزها عبور کند و به تمام دنیا برسد و این تحول و بازسازی در خیلی از مقوله ها و رشته ها مثل - پوستر سازی - تراکت - نقاشی - دیوار نویسی - شعر و غیره - بچشم میخورد. این تحول فقط منحصر به یک دسته نبود شما اگر به حوزه اندیشه و هنر اسلامی سر بزنید، میتوانید نظایر این، مقوله ها را در آنجا مشاهده کنید. شعرهایی که در دیروز گفته میشد و اینک سروده میشود، کلی تفاوت

مصاحبه با خانم سیمیندخت وحیدی (شاعره)

تحولی که انقلاب در هند

دارد. در نتیجه این تحول و بازسازی رامیتوان در تمامی ابعاد مختلف مشاهده کرد.

س - کوششهایی که امروز بنام هنر میشود بنظر شما ناشی از ضرورت و زمینه ای است که انقلاب اسلامی ما بوجود آورده یا نه، ادامه همان حدود فرض شده قبل از انقلاب است. یا هر دو لازم و ملزوم یکدیگر میباشد؟

ج - در این سوال یک نکته برایم مهم است و آن نکته این است که گفته شد کوشش هایی که بنام هنر میشود، به این معنا که این کوششها هنر نیستند و بنام هنر عرضه میشوند. ولی به نظر من همه هنر هستند و این درست همان پاسخ سوال ۲ میباشد که گفتیم هنر انقلاب دگرگون کردن فرهنگ بوده است. بخش دوم این سوال که مربوط به حدود فرض شده قبل از انقلاب است اگر منظور حدود فرض شده هنر در دوران قبل از اسلام و سلسله های مختلف سلطنتی میباشد که باید بطور گسترده در مورد آن صحبت کرد ولی اگر منظور هنر دوران پهلوی باشد نمونه بارز آن

عمدتها این تحول و بازسازی در کدامیک از رشته های هنری تحقق یافته است.

ج - بزرگترین هنر انقلاب اسلامی ما، احیاء شخصیت های هفتتة افراد است. در این رهرو همه توانستند شخصیت های گم کرده خویش را پیدا کنند. بطور کلی انقلاب اسلامی تاثیر عمده ای به فرهنگ نهاده است. ما الان به هر مقوله که نگاه کنیم می بینیم که به یک دگرگونی کلی رسیده ایم. فرض کنید که شما قبلا از زبان یک کودک چه شعر و سرودی را می شنیدید. او میگفت: عروسک خوشگل من، شب شد لا لاکن. اما امروز او بجای خواندن شعر فوق، میخواند: «به به چه حرف خوبی آتش امام ما گفت... از توپ و تانک دشمن هرگز نمیره اسیم»، «دشمن خیال کرده ما نوکل بهاریم اما، امام ما گفت ما مرد کارزاریم». تا این اندازه فرهنگ مادگرگون شده، با توجه به قدرتهای بزرگی مثل امریکا و شوروی و مزدوران مرتجع آنها در منطقه و در اطراف کشور میکوشند با موضع گیریهای خود به پیکر انقلاب ضربه بزنند. اما تاکنون نتوانسته اند ضربه جبران ناپذیری به انقلاب اسلامی بزنند، البته ضربه زده اند اما تمامی ضربه هایشان

خانم سیمین دخت وحیدی حدود سال ۱۳۱۲ در چهره، در خانواده ای مذهبی و متوسط دیده به جهان گشود. خانم وحیدی از سن ۲۰ سالگی آغاز به شعر گفتن نموده و نزد دانی خود که شاعری توانا و زبردست بوده است اصول و قواعد شعری را فرا گرفته و برای تکمیل فن و شیوانی کلام نزد فضلا و ادبا به تحصیل پرداخته است. جشن که خود میگوید: در آنروز که به او ۱۰ ساله و نزد یکی از اساتید برده و ایشان در پاسخ چنین نوشته بوده اند:

دری هست بعضی و بعضی وری
یکی پور است و دیگر پری
انشاء الله بزودی زیارت کنم

بهاریه ای چون مه انوری
خانم وحیدی میگفت: با پاسخ استاد به ضعف و نقص بهاریه خویش پی بردم و بعد با راهنمایی ایشان به تکمیل نقیصه پرداختم. البته من هیچگاه خود را شاعر نمیدانم و اگر احیاناً در جمع فضلا و ادبا شرکت میجویم فقط بخاطر بهره گیری از ادب و عرفان آنها میباشد و بخاطر خوشه جینی از خرمن آن استادان.

سیمین دخت وحیدی در دوران رژیم سفاک پهلوی بخاطر انتشار یکی از کتابهای شعرش دستگیر و بازداشت گردید و این واقعه زمانی اتفاق افتاد که پس روی نیز در زندان ساواک بسر

جشن فرهنگ و هنر شیراز را میتوان نام برد. و شاهد بودیم که جشن فرهنگ و هنر با چه محتوانی عرضه شد و بطور کلی در بدهای دیگر هم با چه غالبی و محتوانی عرضه میشدند. آن زمان اشاعه فرهنگ، فرهنگ مبتذل غربی بود و یک عده ای هم اجیر شده بودند و از بیت المال مردم مصرف کرده و به اشاعه فرهنگ پوچ و مبتذل غربی میپرداختند. و من رابطه ای بین هنر فعلی و هنر دوران پهلوی نمی بینم. هنر دوران پهلوی به نظر من قابل تجدید نظر است و باید روی آن تجدید نظر کلی شود.

س - بنظر شما انقلاب چه تاثیری بر

ر آفرید (۲)

فرم و محتوی عناصر شعر و در مجموع شخصیت شاعران داشته است؟

ج - این سوال باز بر میگردد به سوال اول که هنر انقلاب عوض کردن فرهنگ بوده و کاملاً مشهود است. مادر گذشته میدیدیم که بعضی از جوانها در صف سینما می ایستادند و در قمارخانه ها بسیر میکردند. و ما الان همین جوانها را در جبهه می یابیم و واقعا ما باید از فرهنگ این جوانها بهره گیری کنیم و اکنون ما به برد و هنر و اصالت انقلاب پی میبریم و با تعجب بدان مینگریم که چگونه سرعت توانست مردم را دگرگون کند و شخصیت گم شده افراد را به خودشان برگرداند و آنها که با خود بیگانه شده بودند چگونه به خویشان خویش بازگشتند و خود را دوباره پیدا کردند و در این بازگشت به خویشان می بینید که چه رسالتی دارند و چه تعهدی را بر دوش میکنند.

س - بنظر شما شعری که امروز بتواند رسالت خود را به اسلام و دین خود را به جامعه ادا کند و در عین حال پویائی خویش را حفظ کرده، باید از چه خصوصیاتی

برخوردار باشد؟

ج - ما هم متعهد و مسئولیم. هر کی در هر کاری که دارد مسئول است. یک کارگر در کارخانه یک کارمند در محل کار، مسئول است و باید کارش در مسیر حرکت انقلاب باشد. یک کشاورز در مزرعه باید در جهت رشد و تداوم انقلاب استین ها را بالا بزند و بذریکارد. و یک شاعر گذشته از اینکه یک رسالت عام دارد. رسالت خاصی را نیز بر دوش میکشد. یک هنرمند باید مشوق و محرک باشد و باید بداند که چه زمانی مردم را تشویق و چه زمانی تحریک کند و به مردم چه جهتی بدهد. و در اصل یک هادئ صالح باشد و شاعر امروز شعری را باید بسراید که توان رزمندگان را چند برابر کند و آنها محکمتر و استوارتر با دشمن بجنگند و بر علیه زور و ظلم تلاش و مبارزه کنند. و این امکان ندارد جز با بهره گیری از فرهنگ غنی و سرشار از اوج فلاح اسلام و الهام از قرآن.

س - شما حساسیت شاعران مسلمان را در برخورد با فرم شعر قدیم و نیمائی ناشی از چه میدانید و حل این مسئله را چگونه می بینید؟

ج - اجمالا عرض میکنم که حساسیتی وجود ندارد، بحث سرشکل نیست، بحث سر محتوا میباشد. حالا اگر کسی نمیتواند شعری را در غالب نظم ارائه بدهد، در غالبهای دیگر عرضه بدارد. و اگر غالبی اسم شعر پیدا بکند من در صلاحیت خود نمی بینم که بگویم این شعر هست یا نه.

و آنچه مسلم است نظم است و نثر، شعر خود یک هنر نیست، مجموعه ای از چند هنر است. یکی اینکه با اصول و قواعد شعری آشنا باشد که خودش هنر خاصی است که شاعر بتواند واژه های زیبا و بدیع انتخاب کند و یک محتوای ارزشمندی هم بدان بدهد و آنوقت به آن شعر میگویند. من شخصا حساسیتی ندارم، زیرا که خودم انواع و اقسام شعرها را گفته و میگویم. ولی من معتقدم که محتوی باید خوب باشد. حالا در هر غالبی که انسان توانایی داشت عرضه میدارد.

ایشان در پایان اضافه کردند که: من خودم را در مورد این مسائل صاحب نظر نمی دانم و آنچه را که گفته ام بعنوان یک فرد معمولی عرض کردم نه یک شاعر.

شمیم لاله امشب

از نگارستان حور آمد.

گل افشان گشت گل زاران. هم پیمان نور آمد.
نگاری نو از این روزن وطن را خوش تماشاکن
که دشمن خودپسای خویش تادالان گور آمد.
بزن خنجر به پهلوی شب ظلمانی و بنگر
که بر این کوی پیامی روشن از دوران دور آمد.
درخت ظلم می خشکد. گیاه خوب می نوبد.
ز بار چشم مشاره مان بگشاید زار آمد.
گل افشای زارستان را زار آمد.
بزیارت لشکرستان را زار آمد.
ز پیروزی ترا گل های سرخ زار آمد.
ز ناکامی غدورا شعله ها بر خان صور آمد.
به چشمان فلق امشب چراغ فتح روشن شد
شمیم لاله امشب از نگارستان حور آمد.

آمدی تا خانه امید را بنیان شوی

نازنینا آمدی تا، جسم ما را جان شوی
باغ هستی را عبیر آمیز و عطر افشان شوی.
بر کیود آسمان بخت محرومان شهر،
سرزنی تا چون گل خورشیدها تابان شوی.
آمدی با شوق جانان در تجلی گاه عشق
آشنا با یار گردی بی خبر از جان شوی
با سرود سرخ تکبیرت هزاران گل شکفت
آمدی تا خانه امید را بنیان شوی
بستر سرخ زمان را در نور دیدی جو باد
تا مگر ویرانگر کاخ ستمکاران شوی
بر فل آتش فکنی دفتر تاملات را
آمدی چون صبح صادق بر جهان خندان شوی
آمدی ای پاسدار جبهه حق، آمدی.
تا در این میعاد خونین یاور قرآن شوی.
بر کشتی نمره ها از سینه سوزان خویش
تا به شهر شب گریبان تندر و طوفان شوی
ابر رحمت باش و بر خیز از سردریای جان
بر کویر تشنه سیمین خواهی از یاران شوی.
سیمین دخت وحیدی